

ادامه از صفحه اول

یک دلار برای سلامت روان، ۴ دلار منفعت

در همین زمینه سازمان جهانی بهداشت مبتنی بر یافته‌های پژوهشی بیان می‌کند که هزینه‌کرد یک دلار در درمان اختلالات رایج روان‌شناختی، چهار دلار صرفه اقتصادی به دنبال خواهد داشت. کمیسیون سلامت روان و توسعه پایدار مجله معتبر لَنسِت (۲۰۱۸) نیز به این موضوع پرداخته است که اهداف توسعه پایدار بدون بهبود درخورتوجه در حوزه‌های درمان، ارتقا و پیشگیری از اختلالات روان‌شناختی محقق نخواهد شد.
به نظر این کمیسیون، سلامت روان قلب توسعه پایدار است. این‌گونه یافته‌ها و اطلاعات، نشان‌دهنده غفلت تاریخی در زمینه سلامت روان است. در حوزه سیاست‌گذاری سلامت روان، یکی از مهم‌ترین موضوعات، تقویت عوامل محافظ و کاهش عوامل خطر است. منابع معتبر، عوامل محافظ سلامت روان را شامل این موارد می‌دانند: سیاست‌های ملی سلامت روان، حمایت‌های اجتماعی، اتمام دوره آموزش عمومی، الگوهای مثبت، انسجام خانوادگی، سلامت روان والدین، خواهران و برادران. اگر قرار باشد از همین نقطه به وضعیت سلامت روان کشورمان بپردازیم، در نگاه اول به نظر می‌رسد که وجود سلامت روان و پیشگیری از آسیب‌های روانی-اجتماعی در اسناد معتبر سیاست‌گذاری‌های کلان کشور، یکی از عوامل محافظ درخورتوجه است. در برنامه‌های چهارم و هشتم توسعه، آشکارا به این مفاهیم پرداخته شده و در سند «برنامه جامع ارتقای سلامت روان کشور» در قالب یک نقشه راه عملیاتی ارائه شده است. در این سند هشت چالش کلیدی در ارتقای سلامت روان جامعه مطرح شده است که می‌توان به سه مورد مهم آن اشاره کرد: ۱. ساختار، سیستم فرایندی و منابع ضعیف نظام سلامت روان، ۲. هماهنگی درون‌بخشی و همکاری برون‌بخشی ضعیف، ۳. برنامه‌های ضعیف و ناگافی پیشگیری سطح یک. با وجود نقطه قوت اشاره‌شده، مهم‌ترین مسئله‌ای که در حوزه سلامت روان کاملاً محسوس است، فقدان یا کم‌رنگ‌بودن دو مفهوم مهم «سلامت روان در همه سیاست‌گذاری‌ها» (positive mental health) و «منافع ملی» است.
قاعداً بی‌توجهی به مفهوم عملیاتی سلامت روان در همه سیاست‌گذاری‌ها است که منجر به بی‌تفاوتی به حل مشکلات اساسی کشور و وضع سیاست‌هایی می‌شود که بر بار نگرانی جامعه می‌افزاید. بدیهی است تا زمانی که هیئت دولت فاقد اتاق فکری متشکل از اساتدان دانشگاهی مجرب و آزاداندیش حوزه سلامت روان نباشد، اسناد اشاره‌شده کارساز نخواهند بود. در همین زمینه باید گفت که اگر وزارت بهداشت موفق به ایفای نقش راهبردی خود در حوزه سلامت روان نشود، قاعداً باید جواب‌گوی این سه سؤال باشد: ۱. با چه میزان اعتبار مالی، ۲. چند درصد از افراد جامعه، تحت پوشش برنامه‌های سلامت روان قرار گرفته، ۳. نتیجه اجرای برنامه‌ها چه بوده است. طبیعتاً با اعتبارات مالی اندک، نمی‌توان انتظار داشت که برنامه‌ها از آن چنان ضریب نفوذی برخوردار باشند (سهم سلامت روان از اعتبارات بخش سلامت در ایران سه درصد است). این موضوع، دال بر اهمیت شعار اسامال است: سرمایه‌گذاری بیشتر. در کنار اهمیت تأمین اعتبارات مالی، اثربخشی برنامه‌های سلامت روان موضوع مهمی است که چه بسا پیش از مفهوم سلامت روان مورد غفلت قرار گرفته است. شاید، بخشی از عدم تمایل تأمین اعتبار برای برنامه‌های سلامت روان، نبود یا کم‌رنگ‌بودن پژوهش‌های باکیفیت است که تصمیم‌گیرندگان را متقاعد کند این برنامه‌ها تا چه اندازه دارای صرفه اقتصادی بوده و آسایش اجتماعی را به دنبال دارند. با اطمینان می‌توان گفت که در حال‌حاضر بخشی از روان‌درمانی گرفته تا اقداماتی که صرفاً لفظ ارتقایی و پیشگیرانه را یک می‌کشند، منجر به بهبود وضعیت سلامت روان جامعه نمی‌شوند. براساس این می‌توان شعار اسامال روز جهانی سلامت روان را که در ایران در قالب هفته سلامت روان اجرا می‌شود، این‌گونه بومی‌سازی کرد: سرمایه‌گذاری بیشتر در راستای اجرای برنامه‌های باکیفیت سلامت روان.

با وجود آنکه در برنامه جامع سلامت روان کشور- که طبیعتاً عاری از نقد نبوده - باید در ویرایش‌های بعدی تقویت شود- مسئولیت همه بخش‌ها تعیین شده است، ولی متأسفانه پس از گذشت پنج سال از اتمام دوره زمانی تعیین‌شده برای آن (۹۰-۹۶) هیچ گزارشی از نتایج آن در دسترس نیست. در این سند، در بخش دورنمای سلامت روان کشور، آشور در سال ۹۴ آمده است: «در سال ۱۳۹۴ مردم از اصول بهداشت روان آگاه هستند و سازمان‌های جامعه نقش و سهم خود را برای ارتقای سلامت روان عملیاتی کرده‌اند؛ وزارت بهداشت به‌عنوان دیده‌بان سلامت روان کشور با مدیریت بهینه منابع سلامت روان توانسته است برنامه‌های مبتنی بر جامعه را به‌طور گسترده بخشی از مشارکت میانجیان مردم استقرار داده و کیفیت مراقبت از بیماران مزمن روانی را افزایش دهد و از این طریق دست‌کم روند افزایش بار افسردگی را کند یا معکوس کرده و معلولیت‌های ناشی از اختلالات شدید روان‌پریشی را کاهش دهد».

ادامه در صفحه ۴

مهرشاد ایمانی: حسن روحانی که روزگاری بعد از ردصلاحیت هاشمی‌رفسنجان‌ی و پیش از عارف نامزد

مورد حمایت اصلاح‌طلبان بود. این روزها ارتباط چندانی با بدنه اصلی اصلاح‌طلبی ندارد و نه‌تنها ارتباطی ندارد. و دیگر با سران اصلاحات جلسه نمی‌گذارد، بلکه مورد انتقاد برخی از نیروهای اصلاح‌طلب هم قرار دارد. در سال ۹۲ که اصلاح‌طلبان از او حمایت کردند یا شاید بتوان گفت به‌نوعی با او ائتلاف کردند، همه می‌دانستند که از یک شخصیت کاملاً اصولگرا حمایت می‌کنند که البته مواضعش در موضوعاتی مانند سیاست خارجه نزدیک به اصلاحات است. در آن سال طبیعی بود سید رای روحانی در جبهه اصولگرایی قرار نداشته باشد؛ به بیان دیگر گرچه او یک اصولگرا محسوب می‌شد، با وجود شخصیت‌هایی مانند محمدباقر قالیباف، سعید جلیلی یا حتی محسن رضایی نوبت به روحانی نمی‌رسید؛ خاصه آنکه به‌رحال نوع نگاه روحانی در حوزه سیاست خارجی تقریباً همسو با اصولگرایان نبود؛ به‌همین دلیل اگر اصلاح‌طلبان برای روحانی به میدان نمی‌آمدند، او نمی‌توانست فاتح میدان باشد. پس از روی‌کار آمدن روحانی گرچه اصلاح‌طلبان سهم زیادی از دولت ائتلافی روحانی به دست نیاوردند، اما سیاست آنها در قبال دولت همچنان مبتنی بر تعامل و حمایت بود تا جایی که در موضوع بگرام اصلاح‌طلبان به صورت همه‌جانبه حامی دولت بودند و روزی نبود که پاسخ منتقدان مذاکرات هسته‌ای را ندهند. چنین روندی تقریباً تا پایان دولت اول روحانی ادامه داشت که همان حمایت‌ها و «نگار»ها باعث شد او در سال ۹۶ بار دیگر بر کرسی ریاست‌جمهوری بنشیند. در این باره فوت هاشمی‌رفسنجان‌ی در ۱۹ دی ۹۵ باعث شد روحانی احساس کند مهم‌ترین حامی سیاسی‌اش را از دست داده است؛ از سوی دیگر به‌نوعی رابط میان اصلاح‌طلبان و روحانی هم دیگر در میان نبود. زیرا اساساً روحانی با اصرار هاشمی مورد پذیرش اصلاح‌طلبان قرار گرفت. ابراهیم اصغرزاده هم در خرداد این ۹۸ این گزاره را تأیید کرد و در گفت‌وگو با «شرق» گفته بود: «آقای هاشمی در انتخابات سال ۹۲ نقش مهمی ایفا کرد. او توانست سرمایه اجتماعی بالایی را به انتخابات تزریق کند. او بعد از رد صلاحیتش از جانب شورای نگهبان این سرمایه اجتماعی را در مذاکره با اصلاح‌طلبان روی میز گذاشت و اصرار کرد که فقط باید از آقای روحانی حمایت کرد و زیر بار حمایت از آقای عارف نرفت. در

واقع اصلاح‌طلبان با آقای هاشمی ائتلاف کردند، نه با آقای روحانی. تصویری هم که اصلاح‌طلبان از وضعیت سیاسی آن زمان داشتند این بود که مشکل اصلی کشور پرونده هسته‌ای است و به دلیل آنکه آقای روحانی سابقه خوبی در این عرصه داشت، به نظر می‌رسید که می‌تواند پرونده هسته‌ای را به‌خوبی پیش ببرد. به دلیل این موارد اصلاح‌طلبان از آقای روحانی حمایت کردند، اما آقای روحانی بعد از انتخابات گفت که وام‌دار هیچ گروهی نیست». این سخنان به‌خوبی نشان می‌دهد که هاشمی از ابتدا حلقه مواصلاتی اصلاح‌طلبان و روحانی بود و چه در جذب حمایت اصلاح‌طلبان و چه در تحکیم رابطه آنها نقش مؤثری ایفا می‌کرد اما به نظر می‌رسد که بعد از فوت او در سال ۹۵ هم زبان مشترک نیروهای اصلاح‌طلب با دولت دیگر حضور نداشت و هم روحانی به دلیل آنکه پشتوانه سیاسی خود را از دست داده بود، سعی کرد قدری به پایگاه سیاسی‌اش یعنی اصولگرایی نزدیک‌تر شود تا دست‌کم از گزند انتقادهای آنان در امان باشد. شاید به‌همین دلیل هم بود که یک سال بعد از دولت دوم روحانی، محمود واعظی به‌صراحت گفت با اصلاح‌طلبان ائتلافی نداشته‌ایم یا حتی به‌تازگی احمد مازنی در گفت‌وگو با «نامه‌نیوز» گفته است که روحانی خودش هم بر این موضوع یعنی نبود هرگونه ائتلاف با اصلاح‌طلبان در جلسه‌ای تأکید

سیاست

اکبر هاشمی‌رفسنجان‌ی بر تحکیم رابطه دولت با اصلاح‌طلبان چه تأثیری داشت؟

ارتباط روحانی با اصلاح‌طلبان پس از هاشمی

مازنی: روحانی بعد از سال ۹۶ صراحتاً در جلسه‌ای گفت که من ائتلافی با کسی نکردم



کرده است. مازنی درباره این موضوع می‌گوید: «آقای روحانی یک شخصیت اصولگرا بوده و هست و اما این امکان را نداشت و اکنون هم ندارد که با اصولگرایان به اجماع برسد، به‌همین دلیل در سال ۹۲ با اصلاح‌طلبان ائتلاف کرد که اگر در انتخابات آن سال آقای عارف از انتخابات کنارگیری نمی‌کرد، اکنون رئیس‌جمهور نبود. در سال ۹۶ هم اگر اصلاح‌طلبان از او حمایت نمی‌کردند قطعاً رای نمی‌آورد؛ بماند که او بعد از سال ۹۶ صراحتاً در جلسه‌ای گفت که من ائتلافی با کسی نکردم و نگاه مشترکی وجود داشت و اصلاح‌طلبان حمایت کردند، همین سخنان بود که باعث شکل‌گیری شکاف سیاسی میان اصلاح‌طلبان و روحانی شد.

افزون بر اینها اصلاح‌طلبان هم احساس کردند با توجه به انتقادهایی که مردم به دلیل مشکلات معیشتی به روحانی می‌کنند، دیگر نمی‌توان از او حمایت سفت و سخت کرد و به‌همین دلیل خود را از او جدا کردند. البته روحانی هم همین کار را انجام داد و حتی به یاد داریم که در انتخابات مجلس در سال ۹۸ بسیاری از اصلاح‌طلبان پیش از آنکه شورای نگهبان صلاحیت‌شان را بررسی کند، از سوی هیئت‌های اجرایی رد صلاحیت شدند که همان زمان اصلاح‌طلبان به دولت انتقاد کردند که دولت نیروهایی را که روزگاری باعث روی‌کارآمدنش بودند رد صلاحیت می‌کند.

بی‌تردید وجود هاشمی‌رفسنجان‌ی در دوره اول روحانی عامل مهمی بود که یا اختلافی میان اصلاح‌طلبان و روحانی پیش نیاید یا دست‌کم اختلافات ایشان علنی نشود. موضوعی که به‌تازگی محسن رضایی هم در گفت‌وگو با «اینا» به آن اشاره کرده است: «بعد از فوت مرحوم هاشمی، ارتباط دولت با اصلاح‌طلبان خیلی کم شد. برخی مدیرانی در دولت آمدند که ما نمی‌توانیم هیچ دفاعی از آنها بکنیم، باین‌حال معتقدم اصولاً حداکثر چیزی در حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد قدرت اداره کشور در اختیار نهادهای انتخابی مثل ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهرهاست و اصلاح‌طلبان در این بخش با اصولگرایان مسئولیت مشترک در موفقیت‌ها و ناکامی‌ها دارند. ما به همین نسبت در مقابل نارسایی‌ها و مشکلاتی که ناشی از عملکرد اصلاح‌طلبان است، باید مسئولیت خود را بپذیریم و در پیشگاه ملت عذرخواهی کنیم. ما مردم را با وعده‌هایی مثل آزادی، عدالت و مبارزه با فساد به پای انقلاب و سپس صندوق‌های رای کشاندیم اما نتوانستیم این وعده‌ها را محقق کنیم».

نکته دیگر هم آن است که در خلا هاشمی، روحانی سعی کرد در دولت دوم خود از تیمی استفاده کند که آنها را کاملاً نزدیک به خود احساس کند؛ به‌همین‌دلیل به‌تعییری دولت دوم او دیگر نه‌تنها ج‌سای مدیران اصلاح‌طلب نبود بلکه بیشتر از حزب اعتدال و توسعه که روزگاری در مجمع تشخیص همکار روحانی بودند استفاده کرد. افرادی که چندان با اصلاحات و اصلاح‌طلبی قربانی ندارند و شاید تأثیر آنها بر روحانی در غیاب اکبر هاشمی‌رفسنجان‌ی باعث شد راه دولت دوازدهم از اصلاح‌طلبان جدا شود تا حدی که این روزها بسیاری از اصلاح‌طلبان بر حضور در انتخابات ۱۴۰۰ با تکیه بر هویت اصلاح‌طلبی و ضرورت ارائه یک نامزد کاملاً مستقل و نه ائتلافی تأکید می‌کنند؛ موضوعی که تا این لحظه به‌عنوان یک سیاست راهبردی برای اصلاح‌طلبان مطرح شده است؛ هرچند اصلاح‌طلبان در این مسیر هم موانع متعددی پیش‌روی خود می‌بینند که یکی از مهم‌ترین آنها مخدوش‌شدن سرمایه اجتماعی‌شان به دلیل انتقادهایی است که مردم به دولت دارند و به‌نوعی اصلاح‌طلبان را هم در نتیجه حاصله دو دولت روحانی سهمیم می‌دانند. زیرا مردم دولت روحانی را برآمده از حمایت اصلاح‌طلبان می‌دانند.

با توجه به تغییر نکردن نظر فقهای شورای نگهبان درباره ر‌جل سیاسی

آیا زنان همچنان به دلیل جنسیت رد صلاحیت خواهند شد؟!‌

از اینکه در سیاست‌های کلی به شورا ر‌جل سیاسی تکلیف شد که تعریف شاخص کند، این شاخص‌ها تعریف و به مجلس ارسال شده و ما وظیفه‌مان را انجام دادیم و تعیین شاخص‌ها برای ر‌جل سیاسی و مذهبی و مدیریتون امر ساده‌ای نیست، همین الان که این امر در مجلس اصلاح می‌شود روزانه نسبت به مصوبه اظهارنظر می‌کنند و اینکه باید برای مدیر و مدیر بودن برنامه داشته باشد یا مشاورانی معرفی کنند و مسائلی هست که خیلی از نظر مفهومی قابل بحث است و مسئله ساده‌ای نیست و ان‌شاءالله معیارهای روشنی را مجلس تعریف کند تا مشکل حل شود. وی ادامه داد: یکی از مصوبات، طرح مفصلی به نام طرح دوفوریتی اصلاح ماده ۵۵ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم بود که در رسانه‌ها به طرح وضع بر مالیات خانه‌های خالی شناخته شد و ایراداتی داشت و ایراداتی اعضای شورای نگهبان داشتند و چند ابهام داشت و یکی از ابهامات این بود که تعریفی از خانه خالی نشده بود. این مصوبه به مجلس رفت و اصلاحاتی در آن صورت گرفت و در دستور کار شورای نگهبان قرار گرفت که نتیجه بعداً اعلام می‌شود. سخنگوی شورای نگهبان درباره اینکه آیا اصلاح قانون انتخابات ریاست‌جمهوری به انتخابات سال ۱۴۰۰ خواهد رسید یا خیر؟ ادامه داد:

نمی‌توانم در این زمینه اظهارنظر کنم، چون مصوبه هنوز به دست ما نرسیده است. شورای نگهبان مثل همه ادوار تجربه خود را از طریق پژوهشگده شورای نگهبان و نظرات اعضای شورا بیان می‌کند و صرفاً نظرات شخصی است و نظر نهایی زمانی است که مصوبه به صورت رسمی برای ما ارسال شود. وی افزود: پژوهشگده و اعضای شورای نگهبان اگر نظری درباره اصلاح قانون انتخابات داشته باشند، در همه ادوار این نظرات به نمایندگان مجلس ارائه شده است. وی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه دعوایی بین مجلس و وزارت کشور درخصوص قانون انتخابات هست، نظر دراین‌باره چیست؟ گفت: برای شورای نگهبان مصوبه نهایی مجلس اعتبار دارد و ما دخالتی در شیوه طراحی مصوبات مجلس و دولت نداریم.

طرح مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، طرح خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان پی تی)، طرح تشکیل سازمان نظام مهندسی ارتباطات و فناوری اطلاعات (نمافا)، طرح پیگرد حقوقی علیه دولت انگلستان برای جبران خسارات وارده به اتباع ایرانی، الحاق یک تیرره به ماده (۲) قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور، طرح شفاف‌سازی منابع تأمین مالی تبلیغات و فعالیت‌های انتخاباتی با اصلاح برخی مواد قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و طرح اجرای اصل پانزدهم (۱۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (تدریس زبان‌های محلی و قومی در مدارس و دانشگاه‌های کشور) و بسیاری دیگر اشاره کرد.

که در جریان بررسی‌ها، برخی به او می‌گفتند مراقب

باش زمانی با کامیون تصادف نکنی!

لازم به توضیح است، محمدعلی پورمختار در سال ۱۳۴۱شمسی در لالچین استان همدان متولد شد. دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در لالچین و دبیرستان را در همدان سپری کرد. او دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی و دکترای حقوق بین‌الملل است. از سال ۱۳۵۹ در سپاه به فعالیت پرداخت. پورمختار که برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم هم ثبت‌نام کرده بود، از چهره‌های شناخته‌شده اصولگرایی بود و در مجلس نیز نقش فعالی داشت. او حتی از طرح‌هایی که امضای او پای آنها قرار دارد می‌توان به

روزنه

روحانی:

هر فردی که ماسک نزنند، ۵۰ هزار تومان جریمه می‌شود

● ایسنا: رئیس‌جمهور گفت: اگر کسی از ماسک استفاده نکند، ۵۰ هزار تومان جریمه می‌شود و نیروی انتظامی و بسیج ما این وظیفه را بر عهده دارند که جریمه را به فرد متخلف اعلام کنند. حجت‌الاسلام حسن روحانی در سخنانی در جلسه ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا با بیان اینکه همه افراد جامعه باید در اجتماعاتی که حاضر می‌شوند از ماسک استفاده کنند، گفت: اگر کسی از ماسک استفاده نکند، ۵۰ هزار تومان جریمه می‌شود و نیروی انتظامی و بسیج ما این وظیفه را بر عهده دارند که جریمه را به فرد متخلف اعلام کنند. وی افزود: این طرح فعلاً مربوط به تهران بزرگ است و بعد می‌تواند در صورت نیاز در سایر شهرها انجام شود.

رئیس‌جمهور همچنین با بیان اینکه مردم برای مراسم سوگواری پایان ماه صفر پروتکل‌ها را مراعات کنند، تصریح کرد: امسال پیاده‌روی به سمت خراسان رضوی نداریم و همچنین هر مراسمی که برگزار می‌شود باید مراعات همه پروتکل‌ها را در نظر داشته باشد که قبلاً هم به مردم ابلاغ شده است. روحانی با تأکید بر اینکه رعایت بهداشت بهترین و تنها راه در شرایط فعلی برای مقابله با کرونا است، گفت: مثلاً ما ممکن است با شیوع آنفلوآنزا هم مواجه شویم اما برای آن دوا و دارو داریم و امور بهداشتی برقرار است ولی برای کرونا هنوز دارو و واکسن در اختیار نداریم و تنها راه، توسل به رعایت پروتکل‌های بهداشتی است. وی با اشاره به تلاش‌های پزشکان برای دستیابی به واکسن کرونا ادامه داد: در کنار این موضوع خیلی مهم است که بیماران را سریع شناسایی کنیم و راهش این است که تست‌هایی را که انجام می‌دهیم، گسترش دهیم. رئیس‌جمهور ادامه داد: دیروز با وزیر بهداشت تلفنی صحبت کردیم و امروز هم اعلام کردیم که آماده‌ایم ۱۰ هزار تست علاوه بر تست‌های روزانه انجام شود و بوجه آن را هم تأمین می‌کنیم. همچنین برای خریداری کیت‌هایی که خیلی آسان و در کوتاه‌زمان حدود یک ربع یا ۲۰ دقیقه به ما جواب می‌دهد نیز صحبت شد که صد میلیون دلار برای خرید این کیت‌های مورد نیاز و خریدهای خارجی اختصاص دادیم. وی گفت: البته در داخل هم کیت‌هایی در حال ساخت است و از خارج نیز تأمین لازم را انجام می‌دهیم که در مجموع به تحول بزرگی در تست‌گیری منجر می‌شود. روحانی با تأکید بر اینکه فرد مبتلا ممکن است علامت هم نداشته باشد اما ناقل باشد، تصریح کرد: مهم است که جلوی مسیر انتقال را بگیریم و برای اینکه این مسیر گرفته شود، به محض آنکه فهمید مبتلا شده است، به خانواده و محل کار خود اطلاع دهد و دو هفته در قرنطینه باقی بماند و حق خروج از قرنطینه را نداشته باشد. وی ادامه داد: اگر فرد تخلف کند برای هر نوبت تخلف، ۲۰۰ هزار تومان جریمه می‌شود. سزاوارک و سامانه آن مشخص شده و وزارت بهداشت مسئول آن است. این تخلف باید به حسابی که وزارت بهداشت امروز آن را اعلام می‌کند، واریز شود و اگر آن را واریز نکنند، از روش‌های دیگر گرفته می‌شود. وی افزود: نیروی انتظامی از ابزار و وسایلی که در اختیار دارد استفاده می‌کند. ممکن است فردی ماسک ندارد و ناظران با او مواجه نشوند یا با او صحبتی نکنند، درعین‌حال به وی ابلاغ خواهد شد که چه روزی، در چه خیابانی، بدون ماسک بوده‌اید و موظف هستید ۵۰ هزار تومان جریمه را پرداخت کنید.

ادامه از صفحه اول

آن که یکی از هزار گفت

فطرت انسان‌ها با هر ملیت، رنگ و زبانی از یک جوهر همدان آفریده شده‌اند. صدای او در اوج زیبایی اندیشه‌های عارفانه ملای روم و غزل‌های عاشقانه حافظ شیراز و «وغای عشق‌باز» سعدی جهان‌نما را با ردیف‌خوانی، غزل‌خوانی و آواز فاخر در بستر جان سه نسل ایران جاری کرده و با تاروپود فرهنگ ایران‌زمین پیوندی ناگسستی دارد. شجریان این «رند مست» و «مرغ خوشخوان» موسیقی سنتی ایران که جز «زبان دل» نداشت اگرکه امروز چون «ساز خاموش» دیگر نخواهد خواند اما «سرود مهر» او همیشه در خاطر و زبان ایرانیان خوانده خواهد شد.

آوای ماندگار موسیقی ایران با «هر سبز» آغاز کرد و جنگل سبزی از خوش به یادگار گذاشت و چو «سرو چمان» میل چمن کرد و به دیار ماندگار در «آسمان عشق» رفت. رحلت این استاد بزرگ ملی و معلم نمونه و صاحب کرامت نفس و الگوی اخلاق هنری را به همه هموطنان که صدای اسکنان استاد بر غنای روحی و معنوی آنها افزوده و لذت تحریرهای او در پادشاه شکوفه‌های جاودانه زد است و هر شه‌زاده رمضان با «زبانی» او بر سقره رحمت خداوند متعم غفران پروردگار بوده‌اند و امروز فقدان او را غمگینانه به سوگ نشسته‌اند تسلیت عرض می‌کنم و برای تعالی و آرامش روح عاشق آن خسرو آواز شیرین عرفان ایرانی، غفران و آمرزش الهی مسئلت می‌کنم.